گفتگو با «رضا فراستی» محقق برجسته حوزه اسناد و مدیر سابق اطلاع‌رسانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

رضا فراستی در سال ۱۳۳۷ در محله شاه‌آباد تهران (مخبر الدوله یا جمهوری فعلی) به دنیا آمد و در محله اختیاریه بزرگ شد. رشته تحصیلی او در نظام قدیم علوم طبیعی یا همان علوم تجربی کنونی بود. سال ۱۳۵۶ دیپلم خود را گرفت و در کنکور شرکت کرد. با توجه به علاقه‌اش، رشته‌های پزشکی ارتش، کشاورزی و دام‌پروری را انتخاب کرد اما پذیرفته نشد. در آن زمان تعدادی از مؤسسات بر اساس رتبه کنکور، اعلام ظرفیت و شرایط می‌کردند. ازجمله آن‌ها مدرسه عالی ایران‌زمین بود که در رشته‌های بازرگانی و کتابداری از میان کسانی که نمره زبانشان در کنکور بالابود، دعوت به عمل آورد. رضا فراستی پس از شرکت در آزمون زبان انگلیسی مدرسه عالی ایران‌زمین، در رشته کتابداری پذیرفته شد و این آغاز ورود او به دنیای کتابداری بود.

با ایشان به گفتگو نشستیم و از ورودشان به رشته کتابداری تا فعالیت‌هایشان در یک مرکز آرشیوی برایمان صحبت کردند. ماحصل این گفتگو را تقدیم حضورتان می‌کنیم.

به‌عنوان اولین سؤال رشته کتابداری را از کجا آغاز کردید؟
من کتابداری را از مدرسه عالی ایران‌زمین شروع کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی؛ به دلیل فعالیت‌های سیاسی، دانشگاه‌ها بسته شدند، کلیه مدارس عالی جمع شدند و درجاهای مختلف ادغام شدند و مدرسه عالی ایران‌زمین در دانشگاه علامه طباطبایی ادغام شد. بخشی از درسم را در مدرسه عالی ایران‌زمین خواندم و بعد از ادغام، چون دانشگاه علامه طباطبایی گروه کتابداری نداشت ادامه آن را در دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران خواندم اما مدرک لیسانس را از دانشگاه علامه طباطبایی گرفتم. مرحوم دکتر حری، استاد نوش‌آفرین انصاری و استاد ثریا قزل‌ایاغ ازجمله اساتیدی بودند که در دوره لیسانس از حضورشان بهره بردم. دوره‌ای که در دانشگاه تهران درس می‌خواندم بسیار مفید بود و چیزهای زیادی یاد گرفتم. من در آغاز هیچ آگاهی و شناختی نسبت به رشته کتابداری نداشتم. برای اینکه سربازی نروم رفتم کتابداری خواندم. بعضی‌ها که رشته را نمی‌شناختند می‌گفتند خجالت نمی‌کشی با این ریشت می‌خواهی بروی در کتابخانه، کتاب بچینی؟! می‌گفتند کفشداری با کتابداری چه فرقی دارد؟؟؟!!!! (می‌خندد) ولی من تمام این حرف‌ها را کنار زدم و برای اینکه سربازی نروم و وارد دانشگاه بشوم، کتابداری را انتخاب کردم.

چگونه به کتابداری علاقه‌مند شدید؟!
در ابتدا برای گریز از سربازی به کتابداری آمدم اما همان اوایل که در ایران‌زمین بودم، حدوداً ترم دوم به کتابداری علاقه‌مند شدم. در دانشگاه تهران که درس می‌خواندم علاقه‌ام خیلی بیشتر شد. چون اساتیدی که آنجا بودند خیلی روی ما کارکردند و ما را ساختند. اطلاعاتی که به ما دادند بسیار جالب بود. به‌خصوص وقتی‌که درس تاریخچه کتابخانه و کتابداری را باخانم انصاری گذراندم.

وقتی خانم انصاری شروع کردند به گفتن تاریخچه‌ی کتابخانه و کتابداری، از تاریخ شروع کردند. اینکه تاریخ چیست؟ فایده تاریخ چیست؟ سپس به تاریخچه کتابداری، گذشته و گذشتگان آن پرداختند که چه کسانی درگذشته آن حضور داشتند. صحبت از «ابن‌سینا» به‌عنوان کتابدار کتابخانه سلطنتی بود. شنیدن اینکه یک دانشمند می‌رود کتابدار می‌شود، برای کسانی که دانشجو هستند احساس غرور می‌آورد . یا اینکه درجایی روی سنگ‌قبر پدر و پسری نوشته‌شده که هر دو کتابدار بودند.

وقتی با مسائل تاریخی آشنا شدیم و تاریخچه کتابخانه و کتابداری را خواندیم، علاقه من به کتابداری بسیار بیشتر شد. درس نمایه‌سازی را که پیش‌ازاین در دوره فوق‌لیسانس تدریس می‌شد، برای اولین بار در دوره لیسانس تدریس کردند و مرحوم دکتر حری این درس را به ما دادند. در اینجا دنیایی برای من باز شد چون در آنجا وجه متفارق فهرست‌نویسی کتاب با نمایه‌سازی اسناد و مدارک مطرح شد و این خیلی به دلم نشست. به این معنا که ما مجبور نیستیم از یک قاعده کلی استفاده بکنیم بلکه برای سازمان‌دهی مدارک غیر کتابی روش دیگری هم هست. این باعث شد که مسیر کاری من بر این اساس مشخص شود.

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

با درس تاریخچه کتابخانه و کتابداری و همچنین درس نمایه‌سازی به اسناد علاقه‌مند شدم. علاوه بر این، در درس مراجع تخصصی که دکتر حری آن را آموزش می‌دادند، کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی اثر مرحوم قائم‌مقامی تدریس شد که بر علاقه من افزود.

بعد از اینکه لیسانس را در رشته کتابداری گرفتید ،به ادامه تحصیل در فوق‌لیسانس تمایل داشتید؟
بله تمایل داشتم؛ اما در آن زمان به دلیل وقوع انقلاب فرهنگی به‌ناچار لیسانسمان را با تأخیر گرفتیم و به‌محض اینکه درسمان تمام شد حوزه نظام‌وظیفه اعلام کرد که فارغ‌التحصیلان لیسانس مشمول خدمت سربازی شده‌اند. من و آقای دکتر رضایی که باهم هم‌کلاسی بودیم، به سربازی رفتیم. تازه برایمان غیبت هم زدند که دیر آمدید. به همین دلیل فرصتی برای فوق‌لیسانس نبود. بلافاصله بعد از دوره لیسانس رفتم سربازی و سال ۶۵ از سربازی برگشتم.

بعد از پایان خدمت سربازی مشغول به کار شدید یا ادامه تحصیل دادید؟
پیش از آنکه خدمت ما تمام شود پیشنهاد کار در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران به ما داده شد. در آن زمان سازمان‌های دیگری مانند وزارت دفاع، مرکز آمار و... نیرو می‌خواستند، همه این‌ها را بررسی کردم.

نیرو تحت چه عنوانی می‌خواستند؟
دقیقاً کتابدار می‌خواستند. از حدود سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ آن‌قدر بازار کتابداری سکه بود که همه بچه‌های کتابداری وقتی فارغ‌التحصیل می‌شدند به‌محض فارغ‌التحصیلی جذب کار می‌شدند. چراکه در آن زمان دانشگاه آزاد اسلامی وجود نداشت و فارغ‌التحصیلان این رشته بسیار محدود بودند. به‌طوری‌که وقتی در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران مشغول شدیم دلمان می‌خواست تعدادی دیگر از فارغ‌التحصیلان کتابداری نیز همراه ما بودند اما این‌طور نشد و ناچار شدیم تعدادی نیروی دیپلمه بگیریم و به آن‌ها تعلیم دهیم.

در ابتدای ورود به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در کدام بخش مشغول به کار شدید؟
در بخش آرشیو.

کمی در مورد مؤسسه تاریخ معاصر ایران برایمان بگویید.
بعد از پیروزی انقلاب از سوی حاکم شرع در شهرهای مختلف حکم مصادره اموال داده شد. بنا به فرمایش امام خمینی (ره) و بر اساس حکم حکومتی بایستی کسانی که به‌عنوان عُمال و مربوطین حکومت پهلوی بودند اموالشان مصادره می‌شد؛ به عبارتی کسانی که در جهت تحکیم حکومت پهلوی اقدام کردند ازجمله نخست‌وزیر، خاندان سلطنت، وزرا، نمایندگان مجلسین شورا و سنا، فرماندهان ارتش، فرماندهان نظامی و نیز عده دیگری که در کارهای دولتی و سیاسی نبودند ولی کارهای اقتصادی می‌کردند مثل هژبر یزدانی.

بعد از مصادره اموال این افراد، حکم داده می‌شد که مصادره به نفع کدام سازمان انجام گیرد تا آن سازمان متولی شود و بیاید اموال مصادره شده را تحویل بگیرد. به‌صورت پراکنده حکم‌هایی را به سازمان تبلیغات، بنیاد شهید، کمیته امداد و تعدادی سازمان دیگر دادند ولی قرار شد برای نگهداری ۹۰ درصد احکام، سازمانی بنا شود که نام آن سازمان در ابتدا سازمان اموال مصادره‌ای بود. از اول تصمیم گرفته شد که این سازمان دولتی نباشد. بعد سازمان اموال مصادره‌ای به بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی تغییر نام داد و از آغاز تاکنون زیر نظر ولی‌فقیه است. واحد حقوقی بنیاد مستضعفان نسبت به جمع‌آوری اسناد اقدام کرد به‌صورتی که با مجوز وارد منازل اشخاص و اماکن خاص و خصوصی آن‌ها می‌شدند. در صورت لزوم محل را مهروموم می‌کردند یا اموال را جابه‌جا می‌کردند و به محل بنیاد می‌آوردند.

گروهی هم که گروه شناسایی بودند این اسناد را برای استفاده‌های حقوقی و قضائی به بنیاد می‌بردند که اموال را از طریق این اسناد شناسایی کنند. دفترچه بانکی، سند مالکیت، شناسنامه و مدارک هویتی ازجمله این اسناد بودند. در خانه هر شخص اوراق و اسناد را در چمدان یا اغلب در گونی می‌ریختند و روی آن‌ها نام منشاء یا فرد نوشته می‌شد مثلاً شریف امامی.

در پایان کسانی که اسناد را جمع‌آوری کرده بودند به این نتیجه رسیدند که برخی از اسناد تنها جنبه حقوقی ندارد بلکه این‌ها می‌توانند به‌عنوان اسناد تاریخی مطرح باشند و ارزش نگهداری دارند؛ ازاین‌رو مسئولین بنیاد را در جریان می‌گذارند و آن‌ها را مجاب می‌کنند که اسنادی که ارزش حقوقی دارد در بنیاد بماند و برای نگهداری مابقی مؤسسه‌ای تأسیس شود و باهدف تحقیق و پژوهش و انتشار، اسناد در آن نگهداری شوند. این مؤسسه با نام اولیه مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۶۵ افتتاح شد و در سال ۱۳۷۵ به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران تغییر نام داد.

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

چه مدت پس از تأسیس این مؤسسه مشغول فعالیت شدید؟
کمتر از یک سال.

علت نام‌گذاری مؤسسه چه بود؟
به دلیل وجود اسناد گوناگون ازجمله نسخه‌های خطی، مرقعات، اسناد ادبی و هنری و ...؛ که فقط جنبه تاریخی نداشتند، نام مؤسسه را عام یعنی مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی در نظر گرفتند.

اسنادی که در این مؤسسه نگهداری می‌شد، غالباً چه نوع اسنادی بودند؟
بسیاری از اسناد خصوصی که در خانه‌ها و اماکن خاص یا شرکت‌های شخصی افراد بودند. مثلاً بسیاری از مکاتبات خصوصی اردشیر زاهدی درزمانی که وزیر امور خارجه یا سفیر ایران در امریکا بود، در دفتر خصوصی خودش نگهداری می‌شد و تمام این‌ها جمع‌آوری و به اینجا منتقل شدند. اسناد جمع‌آوری‌شده، دولتی و وزارت خانه‌ای نبودند بلکه اسناد شخصی مثل نامه‌های خانوادگی، مکاتبه با دوستان، حکم، فرمان، مدال و نشان رجال بودند.

به عبارتی در تقسیم‌بندی چهارگانه آرشیو که اسناد را به مالی و قضایی، دیوانیات، سلطانیات و اخوانیات دسته‌بندی می‌کند، این‌ها در دسته اخوانیات یا Paper Personal قرار می‌گیرند. در ایران، موسسه بزرگ‌ترین مرکز دارنده اخوانیات است.

چه زمانی مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی تغییر نام داد و به چه دلیل؟
سال ۱۳۷۴ با تغییر مدیریت، تصمیم بر آن شد که حوزه فعالیت و نام مؤسسه را خاص کنند و ازآنجاکه اغلب اسناد اینجا جنبه تاریخی به‌ویژه تاریخ معاصر داشت و کمتر جنبه‌های هنری و ادبی، نام آن در سال ۱۳۷۵ به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران تغییر یافت.

از ابتدا تاکنون چه مسئولیت‌هایی در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران داشته‌اید؟
آغاز کار در آرشیو بودم و درواقع هنوز آرشیو اینجا کاملاً شکل نگرفته بود و در مرحله بررسی به سر می‌برد که ما مشغول شدیم. از سال ۶۵ که اینجا افتتاح شد، برای ایجاد آرشیو به طرحی نیاز داشتند. طرح‌های مختلفی هم ارائه‌شده بود که ازجمله آن‌ها طرح مشترکی بود که استاد بنده آقای دکتر نورا مرادی که در آرشیو صداوسیما بودند و آقای محمدحسن رجبی دوست و همکلاس بنده در دوره لیسانس ارائه کرده بودند. طرح بیشتر معطوف به سازمان‌دهی مدارک در آرشیو بود نه کلیه فعالیت‌های آرشیو. (اول اسفند ۱۳۶۵ آقای دکتر رضایی شریف‌آبادی در اینجا مشغول شدند و ۱۷ اسفند من به اینجا آمدم و ما هنوز دوست دوره سربازی بودیم و هر دو فارغ‌التحصیل لیسانس.) هر دو نفرمان طرح ارائه‌شده را برای مدت سه ماه آزمایش کردیم، به عبارتی می‌خواستیم چیزی را آغاز بکنیم که وجود نداشت. پس از بررسی نتیجه گرفتیم

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

که بخشی از آن طرح قابل‌اجراست اما بقیه آن نه.

دلیلش هم این بود که بخشی از آن طرح فقط به مسائل سرگذشت نامه‌ای می‌پرداخت و مابقی می‌بایست به‌صورت پراکنده در پوشه‌های مختلف قرار می‌گرفت که در آن لاجرم نظم اولیه به هم می‌خورد گرچه پیشنهاد ارجاعات هم داده‌شده بود اما در سیستم دستی آن زمان از سهولت کار می‌کاست. در کل با به‌کارگیری بخشی از آن طرح و تجربه‌ای که از کار در بایگانی و دبیرخانه داشتم و تجربه آقای دکتر رضایی از کار در آرشیو رادیو موفق به گذاشتن سنگ بنای سازمان‌دهی اسناد در این مؤسسه شدیم که با حفظ منشأ و نظم اولیه به‌خوبی جواب داد. کتابداری چیز زیادی درباره آرشیو به ما نداده بود جز دو واحد درس مقدمات آرشیو و مابقی را باتجربه شخصی و بررسی و مشاهده آرشیوهای دیگر ازجمله سازمان اسناد ملی، صداوسیما، خبرگزاری‌ها، آرشیو روزنامه کیهان و اطلاعات به دست آوردیم. پس از گذشت این سه ماه من مسئول واحد نمایه‌سازی اسناد و معاون آرشیو شدم و در سال ۱۳۶۷ مدیر آرشیو.

برای اجرایی کردن طرح سازمان‌دهی آرشیو از کجا شروع کردید؟
با توجه به اینکه اسناد رسیده تنها مکتوبات نبودند بلکه شامل اسناد سمعی- بصری (عکس‌ها، فیلم‌ها، نوارهای صدا، صفحات گرامافون) نیز بودند؛ در درجه اول مواد آرشیوی را تفکیک شکلی کردیم؛ و برخی از آن‌ها را به کتابخانه تحویل دادیم البته در آن زمان هنوز کتابخانه در اینجا شکل نگرفته بود و در انباری در پارک ارم بود که بعدها در همان محل تبدیل به کتابخانه شد اما ازلحاظ سرویس‌دهی فعال نبود و با موفقیت روبه‌رو نشد. در همین اثنا تصمیم گرفتیم در مؤسسه برای فعالیت‌های تاریخی و آرشیوی خودمان کتابخانه کوچکی داشته باشیم و در دل آرشیو قسمتی به نام کتابخانه ایجاد شد. به دنبال آن تصمیم گرفته شد کتابخانه واقع در پارک ارم نیز به مؤسسه منتقل شود و کتابخانه کوچک ما نیز با آن ادغام شد و کتابخانه در محل مؤسسه به‌صورت متمرکز آغاز به فعالیت کرد.

چه سالی وارد مقطع فوق‌لیسانس شدید؟
در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه آزاد مشغول به تحصیل در رشته کتابداری شدم و ۱۳۷۷ هم دفاع کردم.

با توجه به علاقه‌ای که به آرشیو و اسناد داشتید، چرا نسخه‌شناسی نخواندید؟
تا زمانی که درس می‌خواندم رشته آرشیو و نسخه‌شناسی وجود نداشت. در زمان ما تنها در دوره لیسانس دو واحد نسخه‌شناسی داشتیم که آقای دکتر خانمحمدی به ما درس می‌دادند. در حدود سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ دانشگاه تهران از میان دانش‌آموختگانی که به کتابداری یا کار با نسخه‌های خطی مشغول بودند، دانشجو پذیرفت. فقط هم همان یک دوره به نام نسخه‌شناسی در دوره فوق‌لیسانس. خانم انصاری به من تلفن کردند و گفتند این بچه‌های نسخه‌شناسی علاوه بر کتاب باید با اسناد آشنا شوند، شما حاضر هستید به ایشان تدریس کنید؟ گفتم من لیسانس دارم چطور به دانشجویان فوق‌لیسانس تدریس کنم؟ فرمودند تجربه‌ای که شما دارید، تجربه قابل‌توجهی هست. این را منتقل کنید. و من به این دوستان دو واحد آشنایی با اسناد تاریخی تدریس کردم. هفته‌ای یک روز از صبح تا بعدازظهر به محل مؤسسه می‌آمدند و کلاسشان همین‌جا تشکیل می‌شد. بیشتر به‌صورت عملی درس می‌دادم تا شناخت اسناد را بهتر فرابگیرند و بر همان اساس کار فهرست‌نویسی و نمایه‌سازی انجام می‌شد.

علاوه بر این تدریس، در کجا و چه درس‌های دیگری تجربه تدریس دارید؟
در بنیاد ایران‌شناسی، مهرشناسی و خط سیاق تدریس کردم. برای این تدریس خانم دکتر افکاری از من دعوت کردند. جالب است بدانید که آشنایی ما برمی‌گشت به همان یک دوره نسخه‌شناسی دانشگاه تهران که ایشان آن زمان دانشجوی فوق‌لیسانس بودند و برای آموزش به مؤسسه آمده بودند. ایشان از سر لطف خواستند که من فوق‌لیسانس به دانشجویان فوق‌لیسانس تدریس کنم. بر این باور بودند که بر اساس دانش و تجربه‌ی علمی و مقالاتی کَه درزمینه مهرشناسی و خط سیاق دارم، تدریس چندترم در بنیاد ایران‌شناسی مفید خواهد بود.

به ادامه تحصیل در مقطع دکترا تمایلی داشته یا دارید؟
اعترافی بکنم: در سال ۱۳۷۵ پیشنهاد ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه الزهرا (س) به من داده شد. و به من گفتند اگر اینجا رئیس کتابخانه بشوی، عضو هیئت‌علمی هم می‌شوی، می‌توانی تدریس کنی و می‌توانی ادامه تحصیل هم بدهی و منافع بسیاری دارد. گفتم می‌دانم ولی نمی‌توانم این بچه‌ام (مؤسسه) را رها کنم. چراکه کار آرشیو اینجا نیمه‌کاره بود و فرد متخصصی نبود که بتوانم اینجا را به او بسپارم و زحماتی که تا اینجا کشیده بودیم به هدر می‌رفت.

کنکور دکترا شرکت کردید؟
بله حدود سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ دومرتبه کنکور دکتری شرکت کردم اما پذیرفته نشدم. ازنظر من دلیل پذیرفته نشدنم

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

این است که در کنکور به آنچه در ایران خواندیم و تجربه کردیم و مسائل بومی پرداخته نمی‌شد.

اشتیاق شما به تحصیل و پژوهش از کجا سرچشمه می‌گیرد؟
من تحصیل را دوست دارم. در دوره پایان‌نامه نویسی که وارد فضای پژوهش شدم این علاقه در من بیشتر شد. خدا خیر بدهد به آقای دکتر خسروی استاد درس روش تحقیق من و خانم انصاری استاد راهنمای بنده. من منزل خانم انصاری می‌رفتم و با ایشان بحث می‌کردم سر نوشتن پایان‌نامه و کاربرد پروپوزال و روش تحقیق در آن. نمره درس روش تحقیق من ۱۴ شد. اعتراض کردم. آقای دکتر خسروی گفتند تو یک سؤال ۴ نمره‌ای را نفهمیدی! سؤال این بود: تحقیق را تعریف کنید. من نوشته بودم فرآیندی است سیستماتیک! آقای دکتر خسروی گفتند دو کلمه است. تحقیق یعنی جست‌وجوی نظام‌مند، یعنی باقاعده. همان‌که ما در پروپوزال نقشه راه را ترسیم می‌کنیم.

چون کمی با روش تحقیق آشنا هستم و آن را می‌فهمم، عده‌ای برای تحقیقاتشان به سراغ من می‌آیند و آن‌ها را راهنمایی می‌کنم. با درخواست‌ها و سؤالات در قالب مصاحبه مرجع برخورد می‌کنم و همه سوابق را در آرشیو ثبت کرده‌ام. از میان همین سوابق مقاله‌ای را تحت عنوان مراجعین به آرشیو برای سمینار آرشیو دانشگاه الزهرا (س) نوشتم.تاکنون داوری تعدادی از مقالات را نیز انجام داده و می‌دهم.

به چه موضوعاتی برای پژوهش علاقه‌مند هستید؟
سندشناسی را دوست دارم.
علاقه اصلی بنده به انواع اسناد، اجزای اسناد، دوره‌های تاریخی به‌ویژه ایران پس از صفویه که شامل افشاریه، زندیه و قاجاریه است؛ و کم‌کم مایل به مطالعه در دوره‌های قبل‌تر هم شده‌ام. ما که وارد آرشیوشده‌ایم باید حوزه‌های تاریخی را خوب بدانیم. محتوا، اجزا و متن اسناد را نیز بشناسیم.

در چه موضوعاتی کار تألیف داشته‌اید؟
در انواع اسناد تاریخی و سندشناسی فعالیت‌های بسیاری داشته‌ام. ازجمله مُهرشناسی، شامل مُهرهای شاهان و شاهزادگان قاجار و صدراعظم‌های قاجار، حکم، فرمان و رقم که هم‌اکنون کتاب رقم‌های آقامحمدخان قاجار زیر چاپ هست. در دایره‌المعارف کتابداری در مورد فرمان، رقم و منشور مقاله نوشتم. روی نکاح نامه‌ها کارکرده‌ام و در سمیناری در بنیاد ایران‌شناسی آن را ارائه داده‌ام. به‌طورکلی در سندشناسی در دوره‌های قاجار و پهلوی فعالیت‌های متعددی

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

داشته‌ام.

چه سمت‌ها و مسئولیت‌هایی در دوران شغلی و حرفه‌ای خود داشته‌اید؟
در این مؤسسه مسئولیت مدیریت آرشیو را به عهده داشتم. از سال ۱۳۷۵ مدیریت کتابخانه، مدیریت انتشارات، مدیریت فنی (حفظ و نگهداری و مرمت) با آرشیو ادغام و تحت عنوان مدیریت خدمات پژوهشی به من واگذار شد. پس از مدتی انتشارات جدا گردید و در عوض بخش رایانه به‌عنوان بازوی کار به ما اضافه شد. با مذاکراتی که داشتم نام مدیریت خدمات پژوهشی به مدیریت اطلاع‌رسانی تغییر یافت. از سال ۱۳۹۱ تا اسفند ۱۳۹۴ سرپرست اجرایی پژوهش نیز به من واگذار شد. در حال حاضر بازنشسته شده‌ام اما همچنان به کارهای تحقیقاتی مشغول هستم و بعضاً به مراکز آرشیوی مشاوره می‌دهم.

غیر از فعالیت در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران با چه مراکز آرشیوی دیگری در ارتباط بوده‌اید؟
مراکز آرشیوی که به نحوی مؤسسه را می‌شناسند و از نزدیک یا دورادور با فعالیت‌های من آشنا هستند، برای مشاوره از من دعوت می‌کنند. تاکنون در جلسات مشورتی بسیاری شرکت کرده‌ام ازجمله مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، سازمان اسناد ملی به‌ویژه در تدوین مداخل دانشنامه سندشناسی، مرکز اسناد دفاع مقدس در سپاه، هلال‌احمر، سازمان جغرافیایی، ستاد وزارت دفاع، مرکز اسناد انقلاب اسلامی که تدریس برای کارکنان آنجا داشته‌ام و مراکزی در شهرستان‌ها و... همچنین عضو گروه ارزیابی حافظه جهانی بودم.

به نظر شما چه متخصصینی باید در مراکز آرشیوی کار کنند؟
معتقدم متخصصین هر رشته‌ای باید سر آن کار باشند. معتقدم کتابدار باید در کتابخانه باشد. کسی که کتابداری نخوانده در کتابخانه فرد موفقی نیست. استثنائات را کنار بگذاریم. معتقدم کسی که آرشیو خوانده برود در آرشیو کار کند.
این را بنویسید: معتقد نیستم کسی که تاریخ خوانده برود در آرشیو اسناد تاریخی و به امر فهرست‌نویسی و نمایه‌سازی و ... بپردازد.
تجربه به من ثابت کرده این‌ها افق دیدشان اطلاع‌رسانی که ما تعلیم دیدیم نیست. آن‌ها پیوسته به دنبال تفسیر و تحلیل مسائل تاریخی هستند آن‌هم تاریخ سیاسی و کمتر اجتماعی. در آرشیو اصول منشأ و نظم اولیه از مهم‌ترین اصول است که یک آرشیو خوانده می‌داند نه یک تاریخ خوانده. دروسی که در مجموعه‌سازی، سازمان‌دهی، سرویس‌دهی داده می‌شوند، کدام‌یک در رشته تاریخ تعلیم می‌گردند. اینکه می‌گویم در آرشیو، آرشیو خوانده حضورداشته باشد به این معنی نیست که به حضور متخصص مرمت نیاز نداریم. اتفاقاً حضور متخصص شیمی در آزمایشگاه و متخصص مرمت ضروری است. آرشیویست خود بعد از مدتی باید نوع اسناد را بشناسد. همان‌طور که یک کتابدار، کتابداری عمومی را می‌داند و چنانچه در یک کتابخانه تخصصی هنر وارد شد باید سریعاً منابع اساسی هنر و اصطلاحات تخصصی آن را بشناسد. بر همین اساس دانش‌آموخته آرشیو، مطالب اساسی آرشیو را خوانده است و اگر در یک آرشیو وارد شود بایستی موضوعات خاص آن آرشیو، دوره خاص یا حوزه خاص آن را مطالعه کند. یک آرشیویست باید بتواند پس از مدتی دست‌به‌قلم شود و مقاله بنویسد.

داشتن چه مهارت‌هایی را برای متخصصین اسناد ضروری می‌دانید؟
به موضوع آرشیوی که در آن فعالیت می‌کند بستگی دارد. مثلاً کسی که قرار است در آرشیو اسناد جنگ در سپاه کار کند حتماً باید وقایع دوران جنگ را بداند. یک آرشیویست باید رجال و رخدادهای دوره تاریخی اسناد مجموعه خود را بشناسد. نه تسلط بلکه بیش از آشنابودن. مثلاً مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) کار آرشیو خود را شروع کرده است و من مشاورشان هستم. این آرشیو به اسناد دوره حیات امام در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ می‌پردازد و کسی که بخواهد در این آرشیو فعالیت بکند باید وقایع پیروزی انقلاب و حیات امام و رجال را به‌خوبی بداند و بشناسد.

چه تجربه‌ای از فعالیت در حوزه آرشیوداریدکه بخواهید برای مخاطبین مجله کتابدار ۲.۰ تعریف کنید؟
با توجه به مذاکراتی که در سازمان‌های مختلف داشته‌ام و در جلسات به‌عنوان کارشناس یا مشاور اظهارنظر کرده‌ام به این نتیجه رسیدم که اغلب آرشیو را نمی‌شناسند و درکی از آن ندارند. ازاین‌رو سعی کرده‌ام با زبان خیلی ساده آن را مطرح کنم. به نظر من آرشیو جا نیفتاده است بین مردم و مسئولین. آرشیو بسیار مهجور است. معتقدم باید در جلساتی که مسئولین حضور دارند، ضرورت آرشیو و مفهوم آن را جا انداخت. شاید جایی گوش شنوایی نباشد اما بالاخره باید بیان شود. این مشکل بزرگ کشور ماست که متخصصین سر جایشان نیستند. اگر متخصصین آرشیو ما سر جای خود بودند الآن هرجایی به خودش اجازه نمی‌داد که ادعای آرشیو بکند. سازمان‌هایی را دیده‌ام که بیش از ۱۰۰ کپی سند ندارند اما ادعای آرشیو می‌کنند. آرشیو جمع‌آوری دارد، سازمان‌دهی دارد و... من این‌ها را اشکال کشوری می‌بینم. با توجه به تعصبی که در کتابداری و آرشیوداریم، به سهم خودم جایی که باید مطرح بشود می‌گویم. جایی صحبت شد که مسئولیت راه‌اندازی

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

کتابخانه‌اش را به عهده بگیرم، همان روز گفتم اگر قرار است فردا بیایید بگویید فلانی فرزند معاون فلان است و روانشناسی خوانده یا دیگری فقه یا علوم سیاسی خوانده، آن‌ها را در کتابخانه به کار بگیر، قضیه از همین‌الان منتفی است. من در کتابخانه کتابداری خوانده می‌خواهم. جوان هم می‌خواهم که هدایتش کنم و به‌عنوان سرمایه بماند.

الآن دانشجویان مطالعات آرشیوی فارغ‌التحصیل شده‌اند ولی در آرشیوها جایگاه ندارند. معضل بزرگ سازمان اسناد که همه‌جا هم مطرح کردم این است که اغلب کسانی که آنجا حضور دارند آرشیو نخوانده‌اند. مثلاً بحث جامعیت و مانعیت در بانک‌های اطلاعاتی که برای ما یک اصل هست، کتابداری و آرشیو نخوانده‌ها با آن آشنا نیستند. بحثم این است که متخصصین آرشیو را بیاورند، مدتی در آنجا فعالیت کنند مطمئناً نتیجه کار را خواهند دید. از تجربیات آن عزیزان هم می‌توانند استفاده کنند.

من به فرزندم گفتم برو سرکاری که مربوط به تخصصت است والان خوشبختانه حتی با مزد اندک اما در رشته خودش مشغول است و در حال رشد و پیشرفت و این باعث افتخار ماست.

با دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته مطالعات آرشیوی چه صحبتی دارید؟
درسی که خوانده‌اند را عمیق بررسی کنند و ببینند در سازمان‌های آرشیوی چقدر درس‌هایی که خوانده‌اند بومی‌سازی شده و به‌طور کاربردی قابل‌اجراست. خودشان را محک بزنند و علم و عملشان توأم باشد که اگر روزی مسئولیتی در سازمان آرشیوی بر عهده گرفتند، پیشنهادها و تصمیماتشان عملی باشد. تأکید می‌کنم بومی فکر کنند چراکه بخشی از مطالبی که در درس‌ها می‌خوانیم در کشور ما قابل‌اجرا نیست. معتقدم در مراکز آرشیوی می‌توان با کارآموزی مناسب کار آرشیو را آموخت و تجربه کسب کرد. مطالعه کنند و دست‌به‌قلم بشوند. وارد پژوهش‌های جدی و حرفه‌ای گردند.

تفریحات آقای فراستی چیست؟
هر کاری که انجام داده‌ام برایم تفریح بوده است.
صبح با عشق شروع به کارکرده‌ام و عصر یا شب با عشق، کار را به پایان رسانده‌ام. روزهای تعطیل به طبیعت رفتن از لذت‌های زندگی من است و اگر منزل باشم در کنار خانواده و مشغول بازی با نوه‌ها هستم که برایم بسیار شیرین است.

اگر برگردید به نقطه ابتدایی زندگی‌تان، دوباره همین مسیر را انتخاب می‌کنید؟
نمی‌دانم این مسیر یا مسیر دیگری را انتخاب می‌کنم اما راضی‌ام و ازلحاظ کاری وجدان آسوده‌ای دارم چراکه زمانی را هدر ندادم و کارم را با علاقه انجام دادم.

در پایان از شما بابت ایجاد فضای صمیمانه و گپ‌وگفت صادقانه سپاسگزارم. ممنون که وقتتان را در اختیار مجله کتابدار ۰.۲ گذاشتید.
برای شما آرزوی موفقیت دارم.

مصاحبه‌کننده: زینب سادات صندید
تاریخ مصاحبه: ۱ شهریور ۱۳۹۶

مشخصات استناددهی به این مقاله

نویسنده(ها):	زینب سادات صندید
عنوان مقاله:	گفتگو با «رضا فراستی» محقق برجسته حوزه اسناد و مدیر سابق اطلاع‌رسانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
عنوان مجله:	کتابدار ۲.۰ –(عنوان لاتین: 2.0 i-Kitابدار)
دوره مجله(Vol):	۳
شماره مجله(Issue):	۴
سال(Year):	۱۳۹۶
شناسه دیجیتال(DOI):	
لینک کوتاه:	http://lib2mag.ir/9002

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

lib2mag.ir

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.